

بررسی تطبیقی شهر خدا/ی آگوستین و مدینه‌ی فاضله فارابی

زهرا ذوفقاری**

علی کرباسی زاده*

چکیده

مقاله‌ی حاضر پژوهشی تطبیقی است در زمینه‌ی فلسفه‌ی مدنی آگوستین و فارابی با تکیه بر کتاب شهر خدا/ اثر آگوستین و کتاب آراء اهل مدینه فاضله اثر فارابی. در ابتدا، مفاهیمی چون شهر، عدالت و سعادت مورد بررسی قرار گرفته و سپس مبانی نظری آن‌ها در این دو اثر مقایسه شده است. آگوستین شهر را به معنایی جدید معرفی نموده، فارابی معنای متداول آن را منظور داشته است. مبانی نظری آگوستین آموزه‌های کتاب مقدس درباره‌ی دو نوع طبیعت انسانی است و مبانی فارابی مدنی‌الطبع بودن انسان. این اختلافات منجر به اختلاف در نظام حاکم بر شهر یا مدینه شده است. آگوستین بر شهروندان تکیه دارد و فارابی بر رئیس مدینه. بررسی مبانی نظری و نظام حاکم نشان می‌دهد امکان تحقق شهر خدا نیز منوط به وجود شهروندان آن است و همواره از ابتدای تاریخ، شهر خدا وجود داشته است، اما تحقق تام آن در روز داوری واپسین خواهد بود، در صورتی که تحقق مدینه‌ی فاضله منوط به وجود رئیس فاضل است و تاکنون تحقق نیافته است. در پایان، فرجام شهروندان مورد بررسی قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که بر مبنای این دو کتاب، اندیشه‌ی آگوستین در فلسفه‌ی مدنی بیشتر صبغه‌ی کلامی و اندیشه‌ی فارابی صبغه‌ی فلسفی داشته است.

واژه‌های کلیدی: ۱- آگوستین، ۲- فارابی، ۳- شهر خدا، ۴- مدینه‌ی فاضله، ۵- شهروندان، ۶- رئیس مدینه.

۱. مقدمه

آگوستین فیلسوف و متکلم مسیحی قرن چهارم میلادی است که نقش بسزایی در شکل دادن الاهیات قرون وسطی داشته است. کتاب شهر خدا/ از مهم‌ترین آثار است که تا

آن زمان درباره‌ی تاریخ مسیحیت نوشته شده است. سرنگونی امپراتوری روم در سال ۴۱۰ م، واقعه‌ی تکان‌دهنده‌ای بود که منجر به سؤالات زیادی درباره‌ی پذیرش مسیحیت توسط جامعه‌ی روم شد. آگوستین با نگارش این اثر بزرگ، اثبات نمود که این وقایع هیچ ارتباطی با جامعه‌ی مسیحیان ندارد. هرچند به نظر می‌رسد هدف اصلی آگوستین از شرح و وصف تاریخ و سرنوشت انسان در این کتاب، دفاع از مسیحیان و برائت یافتن آن‌ها از موضوع انحطاط روم بوده است، در واقع، این توصیفات برای اثبات اراده‌ی خداوند در تمامی وقایع تاریخ بشر است. بنابراین شهر خدا به منزله شهری است که همواره با نیروی الهی هدایت می‌شود (ص: ۵۴-۵۵ و ۲۰، ص: ۱۰). هرچند نوعی فلسفه‌ی سیاست هم در این کتاب دیده می‌شود، نمی‌توان آن را یک اثر سیاسی صرف دانست؛ چه، هدف آگوستین بیان مطالب اخلاقی و اعتقادی با توجه به سرنوشت انسان (براساس کتاب مقدس) است (ص: ۱۸، ص: ۵۷).

فارابی مؤسس فلسفه‌ی اسلامی و فیلسوف قرن نهم میلادی است. آرای وی در فلسفه‌ی سیاست، در کتاب‌های مختلفی همچون *آراء اهل مدینه فاضله*، *السیاسات المدنیه*، *فی الاجتماعات المدنی و جوامع السیاسه* منعکس شده است. در این مقاله، *آراء اهل مدینه فاضله* محور قرار گرفته است. فارابی کتاب *آراء اهل مدینه فاضله* را با پرداختن به مطالب مابعدالطبیعی و علم النفسی آغاز می‌کند و آن را مقدمه‌ای برای مطالب و افکار اهل مدینه فاضله قرار می‌دهد. اما رکن اصلی مدینه رئیس آن است. گویی رئیس در مدینه کافی است برای آن که آن مدینه فاضله باشد. البته فارابی به اختلاف احوال مردمان نیز توجه دارد، اما صورت سعادت را فضیلت می‌داند (ص: ۱۷۱ و ۱۷۹).

در این مقاله، به مقایسه‌ی فلسفه‌ی مدنی آگوستین و فارابی در این دو اثر در قالب مفاهیم شهر، عدالت و سعادت، مبانی نظری و نظام حاکم، امکان تحقق این نظام و فرجام شهروندان آن می‌پردازیم.

۲. نگاهی گذرا به شهر خدای آگوستین و آرای اهل مدینه فاضله

فارابی

۱.۲. شهر خدا

شهر خدا به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول شامل کتاب‌های اول تا دهم و بخش دوم شامل کتاب‌های یازدهم تا بیست و دوم است. بخش اول به خوبی بیانگر انگیزه‌ی اصلی نویسنده از پدید آوردن این اثر است: پاسخ به شبهات مشرکان درباره‌ی نقش مسیحیت در سقوط امپراتوری روم. آگوستین در این بخش اثبات می‌کند که رومیان پیش از پذیرش آئین مسیحیت نیز گرفتار مشکلات بزرگی بوده‌اند اما خدایان شرک هیچ قدرتی بر حفظ

روم نداشته و ندارند و عظمت روم حاصل قدرت آنان نبوده است. همچنین به بیان این مطلب می‌پردازد که پرستش آن‌ها نه ضامن سعادت دنیوی است و نه ضامن سعادت اخروی و بدین ترتیب از مشرکان می‌خواهد تا دست از پرستش آن‌ها بردارند. بنابراین عامل شکست روم، در نظر وی، قدرت طلبی امپراتوران آن بوده است و نه آئین مسیحیت.

بخش دوم، خود به سه بخش زیر تقسیم می‌شود:

الف- کتاب‌های یازدهم تا چهاردهم: آگوستین در این جا به تبیین خاستگاه دو شهر خدا و شهر زمینی بر مبنای کتاب مقدس می‌پردازد و توضیح می‌دهد که بنیاد این دو شهر در اصل به سبب اختلافی است که میان فرشتگان پدید آمد.

ب- کتاب‌های پانزدهم تا هیجدهم: این بخش مربوط به پیشرفت این دو شهر در طول تاریخ است. آگوستین معتقد است کل تاریخ جهان، پیشرفت این دو شهر است.

ج- کتاب‌های نوزدهم تا بیست و دوم: در این بخش، فرجام شهروندان شهر خدا و شهروندان شهر زمینی به تفصیل بیان شده است. فرجام شهروندان شهر خدا سعادت ابدی است اما شهروندان شهر زمینی تا ابد در کنار شیطان و در آتش سوزان خواهند بود.

۲.۲. آرای اهل مدینه‌ی فاضله

این کتاب مشتمل بر ۳۷ فصل است که می‌توان مطالب این فصول را به دو بخش کلی زیر تقسیم نمود:

۲.۲.۱. مباحث مرتبط با موجودات: ۲۵ فصل اول کتاب مربوط به این مباحث است

که خود به بخش‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف) موجود اول: فارابی طی هفت فصل (فصول ۶ - ۱ و فصل ۹) به طور مجزا، به اثبات مطالبی در مورد ذات و صفات موجود اول پرداخته است. مباحثی از قبیل: بساطت و وحدانیت، فعلیت محض، تبری از هر عیب و نقص، اتحاد عقل و عاقل و معقول و بررسی صفات علم، حکمت و حیات و نحوه‌ی اطلاق صفات بر ذات.

ب) سایر موجودات: این قسمت در فصل‌های هفت و هشت و فصول یازده تا بیست و پنج، تحت عناوین زیر بحث شده است: نحوه‌ی صدور موجودات از موجود اول (جریان فیض)، مراتب موجودات، ملائکه و فرشتگان، اجسام سماوی (چهار فصل اختصاص به این موضوع دارد) ماده و صورت و در نهایت، انسان.

از فصل بیستم، وارد مباحث مربوط به انسان می‌شود. در واقع این قسمت مقدماتی برای ورود به بخش دوم، یعنی فلسفه‌ی مدنی فراهم می‌آورد. در این جا، ابعاد وجودی انسان و خصوصاً مراتب نفس او بررسی می‌شود تا برسد به قوه‌ی متخیله و در نهایت کمال این قوه و بحث وحی (نظریه‌ی نبوت به طور ضمنی در این بخش ارائه می‌شود).

۲.۲.۲. **مباحث مرتبط با فلسفه‌ی مدنی:** این بخش در فصول بیست‌وشش تا سی‌وهفت کتاب ارائه شده است. در ادامه‌ی مباحث مربوط به انسان، ویژگی مدنی‌الطبع بودن او و نیاز او به اجتماع و همچنین انواع اجتماعات انسانی مطرح می‌شود. ادامه‌ی بحث در اجتماع صغری (مدینه) متمرکز می‌شود. مدینه‌های فاضله و غیر فاضله، اوصاف و ویژگی‌های رئیس مدینه‌ی فاضله (از آن‌جا که فارابی نیل به سعادت را مستلزم تعاون و زندگی در مدینه‌ی فاضله و محور اصلی مدینه‌ی فاضله را رئیس آن می‌داند، بخشی از فصل بیست‌وهفت و تمام فصل بیست‌وهشت را به رئیس مدینه اختصاص می‌دهد). طبقات مدینه، اعتقادات مردم در مدینه‌های مختلف و سرنوشت و سعادت مدینه‌ها از دیگر مباحثی است که تا پایان کتاب مطرح می‌شود.

کتاب *شهر خدا* و کتاب *آرای اهل مدینه فاضله* با چه انگیزه‌ای نوشته شدند؟

انگیزه‌ی اصلی نگارش شهر خدا توسط آگوستینوس، درخواست گروهی از مسیحیان گریخته از رم و پناه برنده به شمال آفریقا بود که از آگوستینوس- اسقف شهر هیپو- بیان علت سقوط امپراتوری مسیحی رم را خواهند بودند. و نیز گروهی از مشرکان، شبهاتی را مطرح و برتری معجزات مسیح را انکار نموده، وضعیت نابسامان آن روز رم را ناشی از ترک دین شرک‌آمیز مسیحیت می‌دانستند. آگوستینوس در پایان دومین نامه در پاسخ به شبهات مذکور، وعده داد که کتابی مفصل در این زمینه به نگارش درآورد که شهر خدا/ تحقق آن وعده است. شهر خدا/ سندی بسیار مهم است که فهم مرحله‌ای از گذرگاه بسیار مهم تاریخ جهان را ممکن می‌سازد. نویسنده کوشش می‌کند که از طریق استدلال‌های خود از هر نوع تفرقه میان مسیحیان ممانعت کند. این کتاب کاملاً جنبه‌ی کاربردی دارد و مؤلف، قلم خود را با تعهد به دست گرفته، نظر راهنمایی دارد (ص: ۲، ۱۱-۱۲؛ ۱۸، ص: ۵۴). اما فارابی *آرای اهل مدینه فاضله* و نیز سایر آثار فلسفه سیاست را برای این نوشت که هماهنگی حکمت نظری با حکمت عملی را نشان دهد. او به دنبال تبیین هماهنگی و تناسب عالم وجود و مراتب آن و فرد است. البته بعضی آرای دیگر هم گفته شده مانند این که تمایلات شیعی فارابی انگیزه بحث سیاست اوست (ص: ۹، ۴۳۵) و یا بحران خلافت در عصر فارابی انگیزه‌ی او بوده است (ص: ۸، ۱۵۵-۱۵۴). ولی طرح فارابی، الگو برداری از طرح افلاطونی است که به هماهنگی فرد و مدینه و جهان قائل بود. البته طرح فارابی تازگی خود را داشت (ص: ۷، ۳۹-۳۸).

۳. مفهوم شناسی

۱.۳. مفهوم شهر یا مدینه

۱.۱.۳. آگوستین: «لفظ یونانی «پولیس»^۱ و لفظ لاتینی «سی ویتاس»^۲ به معنای

شهر و مدینه در نزد مردم باستان، به گروهی از مردم دلالت می‌کرده است که از قوم و نژاد واحدی بوده، زبان مشترکی داشته باشند و در داخل حصار و دیوار واحدی زندگی کنند و هرکس را که خارج از مرز آن‌ها باشد دشمن تلقی کنند. در نزد آگوستینوس، معنای شهر و مدینه چیز دیگری است؛ در آن‌جا قومیت و نژاد و زبان و حصار و مرز مطرح نیست، بلکه صرفاً منظور مردم و امتی است که به خدای واحدی اعتقاد دارند و از احکام و قوانین مشترکی اطاعت می‌کنند؛ امیدهای آن‌ها نیز واحد و مشترک است» (۱۸، ص: ۵۶).

۳.۱.۲. فارابی: «به نظر فارابی، مدینه و منزل (خانواده) محل سکناى ساکنان است، چه از چوب ساخته شده باشد یا گل یا پشم یا مو» (۱۱، ص: ۴۰). در اندیشه‌ی فارابی، مدینه به‌طور کلی همان مدینه در نزد قدامت است. فارابی پس از این‌که احتیاج انسان به اجتماع، تعاون و نحوه‌ی شکل‌گیری اجتماعات انسانی را بیان می‌کند، آن‌ها را به کامل و غیرکامل و اجتماعات کامل را به سه دسته‌ی عظمی، وسطی و صغری تقسیم می‌نماید. مدینه عبارت است از اجتماع صغری؛ یعنی اجتماع مردمی که در محل سکونت یک امت زندگی می‌کنند (امت اجتماعی انسانی است در جزئی از قسمت معموره‌ی زمین، اجتماع وسطی) (۱۰، ص: ۲۵۳).

۳.۱.۳. تطبیق: بنابراین ملاحظه می‌شود آگوستین شهر را به معنای متفاوتی از فارابی به کار گرفته است. در واقع، آگوستین شهر را در یک معنای مجازی به کار می‌برد. همچنان که در ابتدای کتاب پانزدهم می‌نویسد: «من نژاد بشر را به دو بخش تقسیم کردم: بخشی متشکل از کسانی که بر حسب انسان زندگی می‌کنند و بخش دیگر متشکل از کسانی که بر حسب خدا زندگی می‌کنند. و من این دو بخش را مجازاً دو شهر یا دو جامعه انسان‌ها می‌نامم» (۲، ص: ۶۱۹). این اختلاف ریشه در انگیزه‌ی اصلی دو نویسنده در نگارش هر کدام از این آثار دارد. از آن‌جا که انگیزه‌ی اصلی آگوستین، دفاع از آموزه‌های کتاب مقدس و آئین مسیحیت بوده و نه طرح یک مدینه فاضله به معنای فلسفه مدنی، شهر را به معنای متفاوتی از مدینه در نظر فارابی به کار برده است. اما فارابی در درجه اول به عنوان یک فیلسوف و نه متکلم، به طرح نظام سیاسی و مدینه فاضله پرداخته، هرچند که صبغه اسلامی وی در طراحی این نظام نقش مهمی ایفا نموده است.

۳.۲. مفهوم عدالت

۳.۲.۱. آگوستین: عدالت عبارت است از «فضیلت ادا کردن حق هر کسی به صاحب آن حق» (۲، ص: ۸۹۹). مبنای دولت در نظر آگوستین عدالت نیست، به عبارت دیگر عدالت راستین در هر دولت بالفعلی و یا هر دولت مشرکی به اجرا در نمی‌آید. البته در یک

دولت مشرک نیز عدالت وجود دارد اما عدالت راستین نیست. چه، عدالت راستین مستلزم پرستش خداوند است؛ پرستشی که شایسته‌ی او باشد (۲۱، ج: ۲، ص: ۸۸).

برقراری عدالت در جامعه در گرو رفتار عادلانه‌ی هر فرد است. اگر نفس هر انسان تسلط عادلانه بر جسم وی داشته باشد و عقل او نیز تسلط عادلانه بر رذائل، آنگاه در کل جامعه التزام مشترک به حقوق وجود خواهد داشت و جامعه بر پایه‌ی عدالت خواهد بود. اما «اگر در این افراد عدالتی نباشد، مسلماً در جامعه‌ای که از این افراد تشکیل شده است، عدالتی وجود نخواهد داشت» (۲، ص: ۹۰۰).

۲.۲.۳. فارابی: فارابی در فصل سی و پنجم از *آراء اهل مدینه فاضله*، به گفتار درباره‌ی عدالت می‌پردازد و در رد آرای اهل مدینه‌های غیر فاضله می‌گوید: «اینان عدل را در طبیعت هر موجودی می‌دانند، بدین معنا که عدل را عبارت از قهر و غلبه‌ی یک طایفه بر طایفه‌ی دیگر می‌دانند؛ هر طایفه‌ای برای رسیدن به اموری چون سلامت، کرامت، توانگری، لذات و... برای غلبه بر دیگران تلاش می‌کند و هر طایفه‌ای که غالب و قاهر شود مقهور را در جهت رسیدن به اهداف خود به کار می‌گیرد و این عین عدل است. حتی کارهایی که مقهور برای قاهر انجام می‌دهد نیز عدل است (۱۰، صص: ۳۲۸-۳۲۹). اما در مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی، عدالت بدین معنا به کلی مردود است و عدالت واقعی امری ارادی است که عبارت است از این که هر انسانی اعمال فاضلانه را بین خودش و دیگر انسان‌ها به کار بگیرد. بنابراین امور خیر و فاضلانه باید به نحو مشترک بین همه‌ی انسان‌ها توزیع و حفظ شود (۱۹، ص: ۲۶۱).

۳.۲.۳. تطبیق: در نظر آگوستین، لازمه‌ی عدالت دین‌داری است؛ دولتی می‌تواند عدالت‌گستر باشد که مسیحی باشد. فارابی به صراحت آگوستین، عدالت را بر پایه‌ی دین‌داری بیان نمی‌کند، اما نتیجه‌ی بحث او درباره‌ی مفهوم عدالت اثبات رئیس فاضل برای مدینه است، چه لازمه‌ی توزیع خیرات و حفظ آن‌ها در میان انسان‌ها (عدالت) وجود قانون در مدینه است و قانون طبیعتاً واضح، مجری و حافظ می‌خواهد.

۳.۳. مفهوم سعادت

۱.۳.۳. آگوستین: آگوستین در نظریه‌ی اخلاق خود، زندگی بشر را دارای هدفی به نام سعادت می‌داند و معتقد است بشر به‌تنهایی به این سعادت دست نمی‌یابد. چه، وجود بشر بی‌ثبات و ناقص است و فقط هنگامی به سعادت می‌رسد که در ارتباط با چیزی برتر از خودش باشد که پایدار و باثبات است و آن خداست. بنابراین سعادت فقط در ارتباط با خدا یافت می‌شود. آگوستین معتقد است بشر با اراده و اختیار می‌تواند به خدا برسد. بنابراین اراده‌ی انسان در این که به سمت خدا برود یا از او فاصله بگیرد، آزاد است. راه رسیدن به

خدا التزام به تعهدات اخلاقی و نیک زیستن است و نیک زیستن چیزی نیست جز این که با تمام وجود، عاشق خداوند باشد (۲۱، ج ۲، صص: ۸۱-۸۳).

آگوستین در *اعترافات* سعادت حقیقی را اینگونه تعریف می‌کند: «سعادت حقیقی آن است که در حقیقت به وجد آییم و سرمستی از حقیقت، همانا سروری است که در تو می‌یابیم؛ در تو خدایا که حق و نور حقیقی منی» (۱، ص: ۳۱۹). هرچند چنین سعادت‌ی در این دنیا و با این محدودیت‌های مادی حاصل نمی‌شود، اما اعمال ما در این دنیا زمینه‌ساز رسیدن به آن سعادت ابدی است. صرف مسیحی بودن برای رسیدن به سعادت واقعی کافی نیست. آگوستین در چند فصل از کتاب بیست و دوم شهر خدا/ به بیان عقیده‌ی کسانی می‌پردازد که تصور می‌کنند عضویت کلیسا می‌تواند عامل سعادت و نجات آن‌ها در آخرت باشد، حتی اگر اعمال نادرست و فاسدی داشته باشند. وی در رد این عقیده، بر عمل مبتنی بر ایمان تأکید می‌ورزد.

۲.۳.۳. فارابی: در نظر فارابی، اولین وظیفه‌ی علم مدنی شناسایی سعادت است. در این علم، مشخص می‌شود که سعادت به دو گونه است: سعادت حقیقی و سعادت ظنی. سعادت حقیقی لذاته خیر و مطلوب است و همه‌چیز برای رسیدن به آن به کار گرفته می‌شود و این سعادت عبارت است از صیوروت و انتقال نفس به مرتبه‌ای از کمال که بی‌نیاز از ماده بشود و البته رسیدن به این درجه‌ی عالی سعادت در این دنیا نیست و بلکه در آخرت است. در مورد سعادت ظنی باید گفت در واقع، آن را امور خیری می‌داند که برای رسیدن به سعادت طلب می‌شود، مانند ثروت، کرامت، جاه و مقام. اما اگر خود این‌ها به‌منزله‌ی سعادت طلب شوند، سعادت موهوم طلب شده است نه حقیقی (۱۰، صص: ۲۲۷ - ۲۲۸؛ ۱۹، صص: ۱۴۷ - ۱۴۸).

غایت مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی تأمین سعادت حقیقی انسان‌هاست. از آن جا که «کمال نهایی انسان جز با علم و عمل توأم میسر نمی‌گردد» (۱۳، ص: ۱۳۲)، مردم مدینه‌ی فاضله سعادت را می‌شناسند و آن را غایت زندگی خود قرار داده و اعمال لازم برای رسیدن به آن را نیز شناخته و بدان عمل می‌نمایند. بنابراین فارابی در واقع، سعادت فردی را جدای از زندگی مدنی یا زندگی در میان امت مورد بحث قرار نمی‌دهد. ملاک سعادت فرد این است که عضو کدام مدینه است.

۳.۳.۳. تطبیق: بر اساس آنچه گذشت، برای آگوستین، سعادت فردی مطرح است، در حالی که فارابی سعادت فرد را در گرو عضویت در مدینه‌ی فاضله می‌داند. این نکته می‌تواند تأییدی باشد بر این که مفهوم شهر در این اثر آگوستین، به معنای مجازی به کار رفته است. هر دو متفکر اراده‌ی انسان را در نیل به سعادت، نقش‌آفرین می‌دانند، به این

صورت که انسان با اراده‌ی خود، عضو شهر خدا یا مدینه‌ی فاضله می‌شود، اما ایمان به خدا و یا شناخت ردائل و فضائل کافی نیست، بلکه در شهر خدا، باید اطاعت از مسیح (عمل صالح) و در مدینه‌ی فاضله باید عمل در راستای کسب فضائل و اطاعت از رئیس مدینه وجود داشته باشد تا سعادت حاصل شود.

۴. مبانی نظری

۴.۱. آگوستین در شهر خدا

«آنچه در ابتدای تفکر مسیحی مطرح است اندیشه‌های کلامی است و نخستین فیلسوفان مسیحی در قرون اولیه‌ی میلادی را باید متکلمین نامید و حتی آگوستینوس اصطلاح فلسفه‌ی مسیحی را در مقابل فلسفه‌ی مشرکان برای اشاره به عقاید کلامی مسیحیت به کار می‌برد» (۱۶، ص: ۱۶۸). بنابراین در این کتاب نیز مبانی نظری وی برگرفته از کتاب مقدس است. بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس، آگوستین دو نوع طبیعت برای انسان قائل است: طبیعت اولیه و طبیعت ثانویه. وضعیت انسان در طبیعت اولیه از این قرار است: برابری همه‌ی انسان‌ها، صلح و آرامش، بندگی خداوند و نه بردگی انسان‌های دیگر. اما زمانی که انسان مرتکب گناه نخستین شد، طبیعت اولیه به طبیعت ثانویه تغییر یافت. در این وضعیت، انسان‌ها تابع احساسات و عواطف خویش‌شانند و بنابراین روحیه‌ی سلطه بر دیگران در آن‌ها شکل گرفته و برتری انسانی بر انسان دیگر و فاصله‌های طبقاتی معنادار می‌شود. بر اساس این دو نوع طبیعت، دو نوع اراده و عشق وجود دارد: یکی عشق به خدا و دیگری عشق به خود و در نتیجه دو نوع انسان وجود دارد: انسان عاشق خداوند و ارزش‌هایی همچون صلح و برابری با انسان‌های دیگر و انسان عاشق خود و ارزش‌هایی همچون سلطه‌طلبی و شهرت‌طلبی. این دو نوع انسان در واقع، دو شهر را به وجود می‌آورند: یکی شهر خدا و دیگری شهر زمین (۵، ص: ۱۹).

«دو شهر آگوستین از لحاظ وجودی، در یک رتبه قرار دارند؛ الهی و دنیوی به معنای رتبه‌ی وجودی نیست... هر دو شهر شهر انسان‌هاست و تفاوت و جدایی‌شان بر اساس نحوه‌ی اعتقادات و اخلاق و روش زندگی است» (۴، ص: ۱۱۶).

۴.۲. فارابی در مدینه‌ی فاضله

انسان از نوعی است که هم در قوام وجودی و هم برای وصول به کمال، محتاج به اموری است که هیچ‌گاه به تنهایی از عهده‌ی آن‌ها برنمی‌آید و طبعاً محتاج به دیگر انسان‌هاست. به عبارت دیگر، هیچ امر مهمی از انسان به انجام نمی‌رسد و به هیچ حالت نیکویی دست نمی‌یابد مگر با زندگی در اجتماعی از انسان‌ها که در یک محل سکونت دارند

و هریک احتیاجات دیگری را رفع می‌نمایند. اجتماعات انسانی بعضی کامل‌اند و بعضی غیرکامل. اجتماعات کامله عبارت‌اند از اجتماع بزرگ، که اجتماعی است از همه‌ی جماعت‌هایی که در قسمت معموره‌ی زمین با یکدیگر همکاری دارند؛ اجتماع وسطی، که امت نیز نامیده می‌شود، اجتماعی است در بخشی از قسمت معموره‌ی زمین؛ و اجتماع کوچک، که جزئی از محل سکونت یک امت است و مدینه نام دارد. بنابراین مدینه اولین مرتبه از مراتب کمال زندگی انسان است. اجتماعات کوچک‌تر از مدینه اجتماعات غیرکامله‌اند؛ همچون قریه‌ها، محله‌ها و خانه‌ها (۱۰، صص: ۲۵۱ - ۲۵۳).

مردم هر مدینه برای رسیدن به غایات مشترکی با یکدیگر همکاری می‌کنند و هر م دینه ممکن است وسیله‌ی نیل به سعادت یا شقاوت باشد. مدینه‌ای که مقصود حقیقی از اجتماع در آن همکاری در اموری باشد که موجب رسیدن به سعادت حقیقی انسان است، مدینه‌ی فاضله نام دارد. در مدینه‌ی فاضله، شخصی به نام رئیس مدینه وجود دارد و باید دارای صفات و ویژگی‌هایی باشد که از هر جهت کامل‌تر و برتر از خصوصیات مردم است. او باید بتواند سعادت مردم را تأمین نماید و سایر اعضاء هرکدام در مرتبه‌ی خود، بی‌واسطه یا باواسطه به او خدمت می‌کنند. چنانچه خلل و تبدیلی در نظام مدینه‌ی فاضله راه یابد و رئیس آن شرایط لازم را نداشته باشد، رئیس مدینه دیگر رئیس فاضل و مدینه‌ی او مدینه‌ی فاضله نخواهد بود (۶، ص: ۱۸۳ و ۱۰، صص: ۲۶۰ - ۲۶۱).

در بعضی مدینه‌ها، ممکن است رئیس و ملازمان او صرفاً به کسب جاه و افتخار برای خویش بسنده نمایند به واسطه‌ی فضیلت یا به واسطه‌ی ثروت یا به واسطه‌ی تربیت حسنه یا به واسطه‌ی کشورگشایی. و بالاخره در بعضی از مدینه‌ها، خوشی و شادمانی ممکن است هدف غایی قرار گیرد، درحالی‌که در بعضی انواع حکومت، ممکن است آمیخته‌ای از این‌ها یعنی ثروت و خوشی و شادمانی مجموعاً هدف باشد. بنابراین این مدینه‌ها به واسطه‌ی هدفی که رؤسای آن‌ها دنبال می‌کنند، از یکدیگر و همچنین از مدینه‌ی فاضله متمایز می‌شوند (۱۴، ص: ۱۴۳).

به این ترتیب در مقابل مدینه‌ی فاضله، مدینه‌های مضاده وجود دارد که عبارت است از مدینه‌های جاهله، فاسقه، متبدله و ضاله.

۳.۴. تطبیق

در اندیشه‌ی سیاسی هر دو، مبنا طبیعت انسان است، با این تفاوت که آگوستین بر مبنای کلام مسیحی، دو گونه طبیعت و سرشت برای انسان قائل است و بر همین اساس، دو شهر (اجتماع) معرفی می‌نماید، اما فارابی با اعتقاد به مدنی‌الطبع بودن انسان‌ها، به

معرفی انواع اجتماعات انسانی می‌پردازد و البته به‌منزله‌ی یک مؤسس فلسفه، خود را ملزم می‌داند که اجتماع سعادت‌مند یعنی مدینه‌ی فاضله را به‌تفصیل مورد بحث قرار دهد.

۵. نظام حاکم

۵.۱. شهر خدا

۵.۱.۱. رئیس: شاید به گونه‌ای بتوان مسیح را رئیس شهر خدا و شیطان را رئیس شهر زمینی دانست، اما رئیس به معنای رایج کلمه و آنچه در مورد مدینه‌ی فاضله خواهیم دید، در اندیشه‌ی سیاسی آگوستین مطرح نیست.

۵.۱.۲. شهروندان: «آگوستین شهر خدا را شهری می‌داند که مردم آن محبت به خدا را بر محبت به خداوند ترجیح می‌دهند، در حالی که شهروندان شهر زمینی محبت به خود را بر محبت به خداوند ترجیح می‌دهند. بدین ترتیب در شهر خدا همه خود را در برابر شکوه و جلال خداوند خاضع می‌دانند و از روی محبت به یکدیگر خدمت می‌کنند.» «در شهر آسمانی جز پارسائی هیچ حکمت انسانی‌ای وجود ندارد و آن حکمت به پرستش مناسب خدای حقیقی فرمان می‌دهد» (۲، ص: ۶۱۸). اما در شهر زمینی جاه طلبی و منفعت طلبی عده‌ای و خضوع عده‌ای دیگر در مقابل آنان حاکم است.

او کلیسای کاتولیک را نمونه‌ای از شهر خدا می‌داند و در مقابل، دولت روم را نمونه‌ی شهر زمین؛ اما در عین حال معتقد است برای این‌که شهروند شهر خدا باشیم تنها مسیحی بودن و به کلیسا رفتن کافی نیست، بلکه باید مسیحی معتقد باشیم؛ مسیحی‌ای که در باطن نیز متوجه خداوند و به دور از مادیات باشد (۴، ص: ۱۱۷).

شهروندان شهر خدا سه دسته‌اند: دسته‌ی اول فرشتگانی که فرمان‌بردار و مطیع خداوند و همیشه خدمتگزار او در بهشت‌اند؛ دسته‌ی دوم برگزیدگان و مقربان خداوند و اکنون مرده‌اند، اما نفوس آن‌ها در بهشت و در انتظار بازگشت ابدانشان به سر می‌برند؛ و دسته‌ی سوم برگزیدگانی هستند که اکنون در زمین زندگی می‌کنند (۲۲، ص: ۳۲).

«آگوستین در کتاب پانزدهم، در طی گزارش تاریخی که از دو شهر خدا و شهر زمینی بیان می‌کند، از اولین شهروندان این دو شهر، یعنی هابیل و قابیل، سخن به میان می‌آورد و داستانی را که در مورد قابیل به عنوان برادر بزرگ‌تر در کتاب مقدس آمده بیان می‌دارد. آگوستین اظهار می‌دارد که قابیل، اول زاده‌ی آدم، به شهر انسان تعلق داشت. هابیل، که پس از قابیل به دنیا آمد، به شهر خدا تعلق داشت. قابیل مؤسس شهر زمینی برادرش را کشت» (۲، ص: ۸۵).

۵.۲. مدینه‌ی فاضله

۵.۲.۱. رئیس: در نظر فارابی، هدف از خلقت انسان رسیدن به سعادت اخروی است و برای رسیدن به این سعادت، نخست باید معنای آن را بشناسد و آن را هدف خود قرار دهد و سپس احتیاج دارد به این که اعمالی را بشناسد که به واسطه‌ی آن‌ها به سعادت می‌رسد و به آن‌ها عمل نماید. اما هیچ انسانی فطرتاً سعادت و راه رسیدن به آن را نمی‌شناسد، بلکه نیازمند راهنما و معلم است و البته این در توانایی هر انسانی نیست که راهنمای دیگر انسان‌ها باشد. انسانی که در این زمینه احتیاج به راهنمایی انسان دیگری ندارد و خود راهنمای دیگران است رئیس نام دارد (۱۲، ص: ۷۸). او امام و رئیس اول مدینه‌ی فاضله، رئیس امت فاضله و رئیس همه‌ی مردم است. هیچ انسانی مقام و منزلت او را ندارد، مگر کسی که فطرتاً دوازده خصلت داشته باشد:

۱. تندرستی کمال جسمانی؛
۲. نیرومندی درک و سرعت تصور؛
۳. نیروی حافظه؛
۴. زیرکی و هوشیاری؛
۵. خوش‌سخن بودن؛
۶. دوستدار آموزش و آموزاندن بودن؛
۷. معتدل بودن در خوردن و آشامیدن و آمیزش با زنان و پرهیز کردن از لهو و لعب؛
۸. دوستدار راستی و راست‌گویان و دشمن دروغ و دروغ‌گویان؛
۹. بزرگواری بودن و بزرگی را دوست داشتن؛
۱۰. درهم و دینار و متاع دنیوی را خوار داشتن؛
۱۱. دوستدار داد و دادگری و دشمن ستم و ستمگری بودن؛
۱۲. قدرت اراده و شکیبایی داشتن (۷، ص: ۲۷۱).

رئیس مدینه کسی است که بر دیگر انسان‌ها برتری دارد و هیچ کس نمی‌تواند بر او ریاست کند، زیرا او مراحل کمال را پیموده و کامل شده و به مرتبه‌ی عقل بالفعل و معقول بالفعل رسیده است و در ارتباط با عقل فعال به تمام افعالی که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توان به سعادت رسید، آگاه شده است. «پس به واسطه‌ی فیوضاتی که از عقل فعال به عقل منفعل او افاضه می‌شود حکیم، فیلسوف و خردمند و منفعل کامل بود و به واسطه‌ی فیوضاتی که از او به قوه‌ی متخیله‌اش افاضه شود، نبی و منذر بود» (۱۰، ص: ۲۶۹).

۵.۲.۲. شهروندان: فارابی مدینه‌ی فاضله را به تن آدمی تشبیه می‌کند و معادل «قلب» در بدن، «رئیس اول» را در مدینه می‌آورد. همچنین می‌گوید همان‌طور که اعضای

تن از لحاظ قوت‌های طبیعی، مختلف‌اند، اعضای مدینه نیز همین‌طور است، بدین ترتیب که در آن، انسانی است به‌مثابه‌ی رئیس اول و پس از او، اعضاء و افراد دیگری هستند که مراتب آن‌ها نزدیک به رئیس است. پس از آن، کسانی هستند که کارهای خود را بر وفق مراد اینان انجام می‌دهند و در مرتبه‌ی دوم قرار دارند. در مرتبه‌ی سوم، کسانی هستند که کارهای خود را بر وفق مراد رؤسای درجه‌ی دوم انجام می‌دهند و به‌این ترتیب، اجزای مدینه طبقه‌بندی می‌شوند، تا آن‌جا که به طبقه‌ای پایان می‌یابد که فقط خدمت می‌کنند و خادم‌اند نه مخدوم.

تفاوت اعضای مدینه با اعضای بدن در این است که در مدینه، اختلاف طبقات مردمان صرفاً ناشی از فطرت‌ها و طب بیعت‌های آن‌ها نیست، بلکه اعمال ارادی آن‌هاست که هیأت و ملکاتی را در آن‌ها حاصل نموده و موجب اختلاف آنان شده است (ص: ۲۵۶-۲۵۸).

در پایان این قسمت، اشاره‌ای داریم به شهروندان مدینه‌های غیر فاضله:

مدینه‌ی جاهله: شهروندان مدینه‌ی جاهله سعادت حقیقی را نشناخته، در جست‌وجوی آن‌هم نبوده‌اند، این مردم اموری چون تندرستی، توانگری و بهره بردن از لذات مادی و هواهای نفسانی را غایت زندگی خود قرار داده‌اند و آن را سعادت می‌دانند. (همان: ۲۸۰)

مدینه فاسقه: آراء و عقاید شهروندان این مدینه همان آراء و عقاید مردم مدینه فاضله است و ایشان سعادت را به خوبی می‌شناسند اما در افعال و کردار خود به گونه‌ای دیگر عمل کرده و به همین جهت فاسقه گشته‌اند.

مدینه مبدله: شهروندان این مدینه نیز در ابتدا آراء و عقاید مردم مدینه فاضله را داشته‌اند اما با گذشت زمان عقاید آن‌ها تبدیل یافته و آراء دیگری در آن وارد شده است. بدین ترتیب اعمالشان نیز متفاوت از گذشته است.

مدینه ضاله: مردم این مدینه نسبت به خداوند آراء و عقاید صحیحی ندارند و سعادت‌ی که تصور می‌کنند، غیر از سعادت حقیقی است. رئیس این مدینه از جمله کسانی است که به اشتباه تصور می‌کند به مرتبه‌ی دریافت وحی رسیده است. او برای حکومت بر مردم از انواع نیرنگ و فریب استفاده می‌کند (همان: ۲۸۸-۲۸۶).

۵. ۲. ۳. **تطبیق:** همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در شهر خدا، محور بحث شهروندان‌اند و در مدینه‌ی فاضله، رئیس مدینه. این اختلاف می‌تواند به مفهوم شهر از دیدگاه دو متفکر و همچنین مبانی نظری آن دو مربوط باشد. در نظر آگوستین، انسان دو گونه طبیعت دارد که بر اساس آن‌ها، دو نوع عشق و اراده حاصل می‌شود و در نهایت، هرکس بر اساس غلبه‌ی هرکدام از این دو عشق، شهروند یکی از دو شهر خدا یا زمینی می‌شود و سعادت یا شقاوت خود را رقم می‌زند. در نظر فارابی، انسان مدنی الطبع است و

احتیاج به زندگی در اجتماع دارد و بنابراین سعادت او در گروهی زندگی در اجتماع و مدینه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و از آن جهت که اختلاف مدینه‌ها در رؤسای آنها و اهدافی است که دنبال می‌کنند، بیشتر بحث فارابی در مورد رئیس مدینه است.

۶. بررسی امکان تحقق شهر خدا و مدینه‌ی فاضله

۶.۱. شهر خدا

شهر خدا یک جامعه‌ی معنوی است که در رأس آن، مسیح قرار دارد. افراد این جامعه همگی، اعم از انسان‌ها و فرشتگان، عاشق خدا در مسیح‌اند. از طرف دیگر، شهر زمین شامل آن کسانی است که بیش از خدا، عاشق خود و دنیا هستند. بنابراین تعارض میان شهروندان این دو شهر، قطعی به نظر می‌رسد. باین‌حال، در این دنیا، آحاد این دو با یکدیگر آمیخته‌اند و تمایز کامل آنها در روز داوری خواهد بود. نه شهر زمینی با دولت یا جامعه‌ی مدنی یکی است و نه شهر خدا با کلیسا، زیرا شهروندان شهر خدا نیز به جامعه‌ی مدنی تعلق دارند، به‌علاوه کلیسا ممکن است از ایمان منحرف شود و به سعادت ابدی نائل نشود (۳، ص: ۱۴۰).

بنابراین هرچند از ابتدای تاریخ، همواره شهروندانی برای این دو شهر بوده است، مرزهای این دو شهر در این دنیا مجازی است و تحقق آن نسبی. بر اساس آنچه آگوستین در کتاب بیستم شهر خدا/ تحت عنوان «جدایی دو شهر در داوری واپسین» بیان نموده است، جدایی حقیقی این دو شهر و تحقق تام شهر خدا در روزی است به نام ظهور دوم مسیح.

۶.۲. مدینه‌ی فاضله

«فارابی از آن جهت که مؤسس فلسفه‌ی اسلامی بود و اعتقاد داشت که تمام علوم و فضایل باید تابع فلسفه و فضایل نظری باشد، مدینه و مناسبات مردمان و نوامیس حاکم بر این مناسبات و فضایل و صنایع اهل مدینه را بر اساس فلسفه قرار داد، اما مدینه‌ای که او طرح کرده بود هرگز محقق نشد. معمولاً تصور می‌شود که مدینه‌های فاضله از آن جهت که وهمی و خیالی است متحقق نمی‌شود، اما مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی عقلی است و نه وهمی و خیالی» (۶، ص: ۲۹۶). به نظر می‌رسد که علت تحقق نیافتن مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی نبود رئیس فاضل بوده است، بنابراین امکان تحقق آن همواره در آینده وجود دارد.

۶.۳. تطبیق

با توجه به مطالب بالا و آنچه در مورد رئیس مدینه مطرح شد، می‌توان گفت که وجه مشترک هر دو در این است که در انتظار تحقق کامل شهر خدا یا مدینه‌ی فاضله‌اند و به

عبارت دیگر، غلبه‌ی نهایی را از آن این دو می‌دانند؛ اما تفاوت در این است که امکان تحقق مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی در این دنیا وجود دارد و آن در صورت وجود نمونه‌ی کامل رئیس مدینه‌ی فاضله (امام یا نبی) است، درحالی‌که آگوستین تحقق کامل شهر خدا را در روز داوری واپسین، ظهور دوم مسیح، می‌داند.

۷. فرجام شهروندان

۷.۱.۱. در «شهر خدا»

۷.۱.۱.۱. شهروندان شهر خدا: آگوستین در آخرین فصل کتاب، صحبت از سعادت جاودانه‌ی شهر خدا می‌کند. او می‌گوید: «ابدیت آن سعادت از این باب نیست که مدتی بسیار طولانی ادامه خواهد یافت و سرانجام به پایان خواهد رسید؛ بلکه از این باب است که انجیل می‌گوید: سلطنت او را نهایت نخواهد بود» (۲، ص: ۱۰۴۱). در آن زندگی انسان‌ها با فرشتگان در سعادت برار خواهند بود و برای اولین بار واجد چیزهایی خواهند شد که تا آن زمان فقط فرشتگان داشته‌اند و این وعده‌ای است که خداوند از پیش داده است. البته حقیقت این سعادت ابدی برای ما قابل درک نیست. اما می‌توان گفت آرامش حقیقی در آنجا خواهد بود «زیرا هیچ کس از خودش یا دیگری مخالفتی نخواهد دید» (همان، ص: ۱۱۰۶) در آن‌جا همه خداوند را می‌بینند و به ستایش او مشغول خواهند شد: «هنگامی که جسم فسادناپذیر شود، همه اعضا و جوارحی که اکنون به امور ضروری مختلف مشغول‌اند، به ستایش خدا مشغول خواهند شد» (همان ص: ۱۱۰۷).

آگوستین در این کتاب شبهات مختلف درباره رستاخیز را به تفصیل بیان می‌کند و به رد آن‌ها می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین شبهات انکار معاد جسمانی و رستگاری جسم همراه روح برای شهروندان شهر خداست. وی معتقد است برای اثبات آن، دلایل کافی هست. یکی از دلایل این است که می‌تواند معجزه خداوند باشد. ما معجزات فراوانی دیده ایم و شنیده ایم: می‌دانیم زنی مبتلا به سرطان سینه، پزشکی مبتلا به نفرس، کشاورزی گرفتار ارواح خبیثه و کم‌دین ساخورده ای مبتلا به فتق، همگی با انجام غسل تعمید شفا یافتند. بنابر این رستاخیز ابدان نیز معجزه است (۱۷، ص: ۹۴). او معتقد است اراده‌ی خداوند است که هر چیزی را ممکن می‌سازد: «اگر همان خدایی که این موجودات را آفریده است، اراده کند که اجسام زمینی به سوی اجسام آسمانی بالا روند، هیچ چیزی نمی‌تواند از آن جلوگیری کند» (۲، ص: ۱۰۴۶). بنابراین اجسام مرده هر اندازه هم که آسیب دیده باشند، با قدرت مطلقه الهی دوباره زنده می‌شوند. البته «جسم در آن هنگام نه حیوانی، بلکه

روحانی خواهد بود و با اینکه ماده‌ای جسمانی خواهد داشت، از هر نوع فساد جسمانی مصون خواهد بود» (۲، ص: ۱۰۹۴).

۲.۱.۷. شهروندان شهر زمینی: کتاب بیست و یکم به طور کلی درباره‌ی فرجام شهروندان شهر زمینی است که آن‌ها در کنار شیطان و در آتش دوزخ تا ابد گرفتار خواهند بود. آگوستین در اینجا به اثبات این مسئله می‌پردازد که اجسام چگونه می‌توانند در عذاب ابدی بمانند و نابود نشوند. وی در پاسخ به مخالفان این عقیده نمونه‌های زیادی از طبیعت می‌آورد. برای مثال «در چشمه‌های آب گرمی که هیچ کس نمی‌تواند دست خود را بدون آسیب دیدن در آن‌ها فروبرد، نوعی کرم یافت می‌شود که نه تنها آنجا بدون آسیب دیدن زندگی می‌کند، بلکه نمی‌تواند جای دیگر زندگی کند» (همان، ص: ۹۸۴). نمونه دیگر کوه‌های جزیره‌ی سیسیل است: «و اگر برخی کوه‌های معروف جزیره‌ی سیسیل از زمان‌های بسیار دور تا کنون پیوسته روی آتش بوده و برقرار مانده‌اند، ما به طور کافی قانع می‌شویم که هر چه می‌سوزد، نابود نمی‌شود» (همان، ص: ۹۸۷).

۲.۷. «آرای اهل مدینه‌ی فاضله»

۱.۲.۷. شهروندان مدینه‌ی فاضله: همان‌طور که اشاره شد، مردم مدینه‌ی فاضله هم امور مشترکی دارند که همه باید بدانند و عمل کنند و هم امور دیگری که مخصوص به هر رتبه و طبقه‌ی خاص است و سعادت آن‌ها در گروی عمل به این دو امر است. در اثر انجام این اعمال، هر فردی دارای هیأت و ملکات نفسانی فاضله‌ی خاصی می‌شود و تکرار و مداومت این اعمال هیأت و ملکات او را قوی‌تر و برتر می‌نماید و همواره به فضیلت او می‌افزاید. به این ترتیب، شهروندان مدینه‌ی فاضله مسیر کمال را طی می‌نمایند تا در نهایت، به مرتبه‌ای از کمال برسند که از تعلق به ماده بی‌نیاز گردند و در نتیجه، نه با از بین رفتن ماده از بین روند، نه حتی در هنگام وجود ماده بدان محتاج باشند. بدین ترتیب، نفوس شهروندان مدینه‌ی فاضله پس از مرگ در سعادت ابدی خواهند بود (ص: ۲۸۹-۲۹۲).

۲.۲.۷. شهروندان مدن غیر فاضله: فرجام شهروندان مدن جاهلیه و مبدله: نفوس اینان پس از مرگ، به همراه جسمشان از بین می‌رود، چه، اینان لذات مادی و دنیوی را جای‌نشین سعادت حقیقی نموده‌اند و نفس آنان هیچ کمال وجودی در مقایسه با تن آن‌ها ندارد، اما رؤسای آنان، چون سعادت حقیقی و آرای فاضله را می‌شناخته‌اند اما آن را مبدل ساخته و قوم خود را گمراه نموده‌اند، به عذاب ابدی گرفتار خواهند شد.

فرجام شهروندان مدینه‌ی فاسقه: نفوس این مردمان در عذاب جاودانی گرفتار خواهد شد و همواره از کشمکش میان دو هیأت فاضله و فاسقه در عذاب و آزار خواهند بود؛ هیأت

فاضله از آن رو که آن‌ها در ابتدا آراء و عقاید فاضله را می‌شناخته‌اند و هیأت فاسقه از آن رو که بدان عمل نموده‌اند و اعمال فاسق را جایگزین آن نموده‌اند (۶، صص: ۲۰۰ - ۲۰۱).

فرجام شهروندان مدینه‌ی ضاله: رئیس این مدینه درحالی‌که سعادت را به خوبی می‌شناخته، مردمان را گمراه نموده است و بنابراین فرجام شهروندان مدینه‌ی فاسقه را خواهد داشت. اما فرجام مردمان این مدینه که توسط او گمراه شده‌اند هلاکت و نابودی است (همان، ص: ۳۰۴).

۳.۲.۷. تطبیق: شهروندان شهر خدا و مردم مدینه‌ی فاضله هر دو جاودانه در بهشت خواهند بود. فرجام شهروندان شهر زمینی مانند رؤسای مدینه‌ی متبدله است؛ جاودانه در آتش. اما شهروندان مدینه‌ی متبدله و سایر مدن غیر فاضله هلاکت و نابودی نفس به هنگام مرگ است. تفکر فارابی در این جا بیشتر صبغهی فلسفی دارد تا کلام اسلامی، چه بر مبنای کلام اسلامی، هیچ نفس انسانی با مرگ تن برای همیشه از بین نمی‌رود و همهی نفوس در رستاخیز حاضر می‌شوند، درحالی‌که آگوستین کاملاً صبغهی کلامی دارد؛ چه، به مناسبت این بحث، به اثبات معاد جسمانی و چگونگی جاودانگی گناهکاران در آتش جهنم می‌پردازد.

۸. نتیجه‌گیری

- شهر یا مدینه در این دو اثر، به دو معنای متفاوت به کار رفته است: فارابی معنای متداول آن را مراد کرده است، اما در نظر آگوستین، شهر هرگز محدود به مکان خاصی نیست، بلکه مرزهای آن مجازی است و در واقع، مجموعه‌ای از انسان‌های هم‌عقیده است.

- در بررسی مفهوم عدالت، نقش و تأثیر یک حکومت دین‌دار و یا رئیس فاضل برجسته می‌شود. آگوستین عدالت را فضیلتی می‌داند که در اثر حکومت یک دولت مسیحی اجرا می‌شود و فارابی نیز اجرای آن را منوط به وجود رئیس فاضل در مدینه می‌داند.

- تفاوت در مفهوم شهر از نظر دو متفکر، منجر به تفاوت در مفهوم سعادت نیز می‌شود؛ آگوستین تکیه بر سعادت فردی دارد و فارابی آن را جدای از سعادت جمعی نمی‌داند. اما هر دو متفکر معتقد به نقش اراده و انتخاب انسان در رسیدن به سعادت و همچنین اهمیت و لزوم ایمان توأم با عمل صالح‌اند.

مبانی نظری آگوستین در این کتاب، آموزه‌های کتاب مقدس است. بر این اساس، دو گونه طبیعت انسانی مبنای دو شهر خدا و زمین می‌شوند. مبنای فارابی نیز طبیعت انسان است، از آن جهت که مدنی‌الطبع است. اما فارابی در این کتاب، بیشتر از منظر یک فیلسوف و نه متکلم به طرح فلسفه‌ی سیاسی و به‌ویژه مدینه‌ی فاضله پرداخته است.

- بر اساس آنچه درباره‌ی مفهوم شهر نزد این دو متفکر و همچنین مبانی نظری آن‌ها ذکر شد، اختلاف در نظام حاکم در این دو نظام سیاسی مشخص می‌شود: درحالی‌که آگوستین به شرح و توصیف اوضاع و احوال شهروندان این دو شهر در طول تاریخ می‌پردازد، فارابی بیشتر به توصیف ویژگی‌ها و شرایط رئیس مدینه توجه دارد.

از آن‌جا که تکیه‌ی آگوستین بر شهروندان است و در هر زمان، شهروندانی از شهر خدا وجود داشته‌اند، شهر خدا همواره به طور نسبی تحقق یافته است، اما مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی چنین نبوده است؛ البته امکان تحقق تام هر دو وجود دارد. آگوستین، بر خلاف فارابی، به‌صراحت به این مطلب اشاره دارد و آن را در روز داوری واپسین می‌داند.

- صبغه‌ی کلامی آگوستین و صبغه‌ی فلسفی فارابی بار دیگر در بحث فرجام شهروندان مشخص می‌شود؛ باین‌که هر دو به سعادت ابدی و زندگی جاودانه در بهشت برای شهروندان شهر خدا و مدینه‌ی فاضله معتقدند، درباره‌ی فرجام شهروندان دیگر اختلاف‌نظر دارند؛ آگوستین معتقد به رستاخیز جسمانی حتی برای گناهکاران است و فارابی معتقد است که حتی نفوس برخی از گناهکاران پس از مرگ از بین خواهد رفت.

یادداشت‌ها

1. Polis

2. Civitas

منابع

۱. آگوستین، قدیس، (۱۳۸۰)، *اعترافات*، ترجمه سایه میثمی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم.
۲. -----، (۱۳۹۲)، *شهر خدا*، ترجمه حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم.
۳. اماتورر، آرماند، (۱۳۶۹)، «آگوستین»، ترجمه سید علی حقی، *کیهان اندیشه*، ش ۳۴، صص ۱۴۲-۱۲۵، قم: مؤسسه کیهان.
۴. ایلخانی، محمد، (۱۳۸۹)، *تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۵. توانا، محمد، (۱۳۸۳)، «نسبت خود و قدرت سیاسی در اندیشه سنت آگوستین»، *فصلنامه تخصصی پژوهشی سیاست نظری*، ش ۵، صص ۴۵-۲۲، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۶. داوری اردکانی، رضا، (۱۳۷۴)، *فارابی*، تهران: انتشارات طرح نو.

۷. -----، (۱۳۸۸)، *نگاهی دیگر به تاریخ فلسفه اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. طباطبائی، سید جواد، (۱۳۸۶)، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات کوثر.
۹. فاخوری، حنا، (۱۳۷۳)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۱۰. فارابی، ابونصر محمد، (۱۳۶۱)، *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*، ترجمه جعفر سجادی، تهران: انتشارات طهوری.
۱۱. -----، (۱۴۰۵)، *فصول منتزعه*، تهران: انتشارات الزهراء، چاپ دوم.
۱۲. -----، (۱۴۰۸)، *السیاسه المدنیه: الملقب بمبادی الموجودات*، تهران: انتشارات الزهراء.
۱۳. -----، (۱۳۸۷)، *رسائل فلسفی فارابی*: ترجمه دوازده رساله از آثار معلم ثانی، ترجمه سعید رحیمیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. فخری، ماجد، (۱۳۷۲)، *سیر فلسفه در جهان اسلام*: ترجمه فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۵. کلارک، ماری، (۱۳۸۹)، «شهر خدا»، ترجمه نغمه پروان، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۳، صص ۵۸-۵۴، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۱۶. کرباسی زاده، علی، (۱۳۸۷)، «مبانی و شرایط امکان تطبیق میان فلسفه مدرسی مسیحی با حکمت اسلامی»، در *مجموعه مقالات نشست تخصصی مطالعات تطبیقی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. لئودلی، (۱۳۸۳)، *شرح فلسفه و آثار برگزیده آگوستین قدیس*، ترجمه محمد بقائی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۱۸. مجتهدی، کریم، (۱۳۷۹)، *فلسفه در قرون وسطی*: مجموعه مقالات، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۹. مهاجرنیا، محسن، (۱۳۸۰)، *اندیشه سیاسی فارابی*، قم: بوستان کتاب.
20. Augustine, Aurelius (St. Augustine), (2010), *On the Free Choice of the Will, on Grace and Free Choice, and Other Writings*, King, Peter, Cambridge: Cambridge University Press.
21. Copleston, Fredrick, (2003), *History of Philosophy (Medieval Philosophy)*, V2, London-New York: Continuum.
22. Dyson, Robert, (2005), *St Augustine of Hippo (The Christian Transformation of Political Philosophy)*, London: Continuum International Publishing Group.